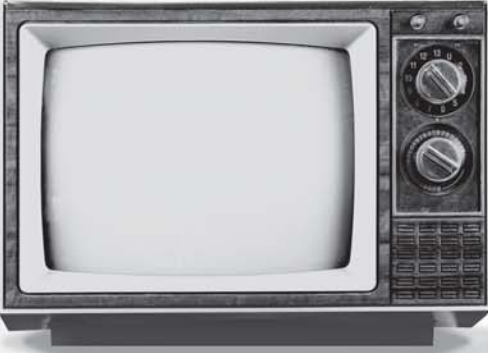


# فهرست



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

الدِّينُ وَالتَّدِينُ ..... ٨



الدَّرْسُ الثَّانِي

مَكَّةُ الْمُكْرَمَةِ وَالْمَدِينَةُ الْمُنَوَّرَةُ ..... ٣١



الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

الْكُتُبُ طَعَامُ الْفِكْرِ ..... ٥٢



الدَّرْسُ الرَّابِعُ

الْفَرَزْدَقُ ..... ٧٣

# الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

## بخش اول

آموزش قواعد ۹

تست های قواعد ۱۳

## بخش دوم

فن ترجمه ۱۵

تست های ترجمه ۱۹

پاسخ پرسش های چهارگزینه ای ۲۳

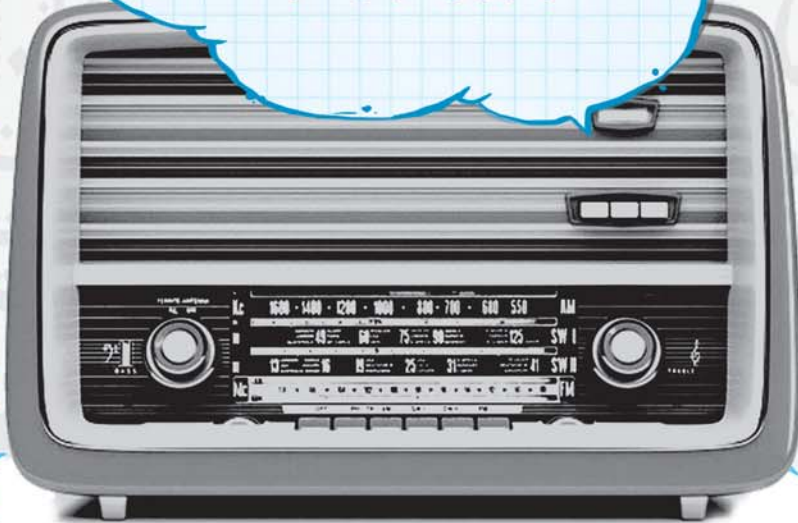
آزمون ۲۷

﴿ اَقِمِّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴾

با یکتاپرستی به دین روی آور

و هرگز از مشرکان نباش!





# بخش اول

## قواعد

### حروف مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ - لای نفی جنس

#### حروف مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ

به حروف «إِنَّ - أَنْ - كَأَنَّ - لَيْتَ - لَعَلَّ - لِكِنَّ» حروف مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ می‌گویند. این حروف در ابتدای جملات اسمیه می‌آیند.

#### کاربرد و معانی حروف مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ:

۱) **إِنَّ:** جمله بعد از خود را «تأکید» می‌کند و به معنای «قطعاً، همانا، به درستی‌که، بی‌گمان، ...» است.

مثال: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (بی‌گمان خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.)

۲) **أَنَّ:** غالباً برای «پیوند دادن» میان دو جمله می‌آید و به معنای «که، این‌که» است.

مثال: ﴿قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (گفت می‌دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست.)

و مِنْ أَهَمِّ مَوَاصِفَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَنَّهُا تُعْطِي أَثْمَاراً طَوَّلَ السَّنَةِ. (و از مهم‌ترین ویژگی‌های این درخت این است که آن در طول سال میوه می‌دهد.)

عربی یازدهم - ص ۲۶

۳) **إِنَّ:** از حروف مُشَبَّهَةٌ است / قبل از فعل نمی‌آید / در ابتدای جمله می‌آید / به معنای «همانا، به راستی، ...» است.

۴) **أَنَّ:** از حروف مُشَبَّهَةٌ است / قبل از فعل نمی‌آید / در وسط جمله می‌آید / به معنی «که، این‌که» است.

۵) **إِنْ:** از حروف شرط است / قبل از فعل می‌آید / غالباً در ابتدای جمله می‌آید / به معنی «اگر» است.

۶) **أَنَّ:** از حروف ناصبه<sup>۱</sup> است / قبل از فعل می‌آید / در وسط جمله می‌آید / به معنی «که» است.

۷) **كَأَنَّ:** معمولاً برای بیان «تشبیه» و «حدس و گمان» می‌آید و به معنای «گویی، مانند، مثل این‌که، ...» است.

مثال: ﴿كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ﴾ (آنان مانند یاقوت و مرجانند.)

۸) **كَأَنَّ:** إرضاء جميع الناس غاية لا تدرك. (گویی خشنود ساختن همه مردم هدفی است که به دست نمی‌آید.)

• مواظب باشید «كَأَنَّ» را با «كَانَ» که از افعال ناقصه است، اشتباه نگیرید.

۹) **لِكِنَّ:** برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جمله قبل از خودش می‌آید و به معنای «ولی، اما» است.

مثال: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ (بی‌گمان خداوند دارای بخشش بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.)

۱۰) **لَيْتَ:** برای بیان «آرزو» می‌آید و به صورت «یا لَيْتَ» هم به کار می‌رود و به معنی «کاش، ای کاش» است.

مثال: ﴿و يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرَاباً﴾ (و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم!)

لَيْتَ السُّرُورِ دَائِمٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا. (کاش شادمانی در زندگی دنیا همیشه باشد.)

۱۱) **لَعَلَّ:** برای بیان «احتمال» یا «امیدوار بودن به امری یا موضوعی» به کار می‌رود و به معنای «شاید، امید است» می‌باشد.

مثال: ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (بدون شک ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم شاید / امید است شما خردورزی کنید.)

• توجه: برای این‌که حروف مُشَبَّهَةٌ را بهتر به خاطر بسپارید، یادتان باشد به غیر از «لَيْتَ» همگی در حرف آخرشان تشدید دارند.

۱- اگرچه شما دانش‌آموزان عزیز با حروف ناصبه «أَنَّ - لَنْ - كَي - لِكَي - حَتَّى - لِ» در پایه یازدهم آشنا شده‌اید، اما نام «حروف ناصبه» در کتاب‌های درسی ذکر نشده است.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ

ترجمه هاتین آیاتین الکریمتین:

- (۱) ﴿فَهَذَا يَوْمَ الْبَعْثِ وَ لَكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾  
 (۲) ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرصُوصٌ﴾



(۱) این، روز رستاخیز است ولی شما نمی دانستید.

(۲) به راستی خداوند کسانی را که صف در صف در راه او می جنگند، دوست دارد؛ گویی آن ها ساختمانی استوار هستند.

نمونه سؤال

اجعل في الفراغ حرفاً مناسباً من الحروف المشبهة بالفعل:

- ۱ ..... مُسْتَقْبَلِ الْأَمَةِ بِيَدِ الْمَعْلَمِ. (إِنَّ - أَنْ)  
 ۲ اِعْلَمَ ..... يَدِ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ. (أَنْ - لَكِنَّ)  
 ۱ إِنَّ (به راستی آینده امت به دست معلم است).  
 ۲ أَنْ (بدان که دست خدا همراه جماعت است).  
 ۲ ..... الْأَغْنِيَاءُ لَا يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْفُقَرَاءِ. (لَيْتَ - لَكِنَّ - لَعَلَّ)  
 ۲ لَيْتَ (کاش ثروتمندان، اموال فقیران را نخوردند).

نمونه تستی

عَبِّرْ عِبَارَةً لَيْسَ فِيهَا مِنَ الْحُرُوفِ الْمَشْبَهَةِ:

- ۱ ﴿ذَلِكَ الدِّينَ الْقَيِّمَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾  
 ۲ أَنْتَ أَجَبْتَ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِسُرْعَةٍ كَانَتْ سَهْلَةً لَكَ.  
 ۲ رَّبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾  
 ۲ يَا أُخْتِي! لَا تَرْفَعِي صَوْتَكَ لِأَنَّهُ يُؤْذِينِي!

گزینه (۲)

«لَكِنَّ»، «كَأَنَّ» و «أَنَّ» در گزینه های دیگر به ترتیب حروف مشبّه هستند.

ترجمه گزینه ها:

- ۱ آن، دین استوار است ولی بیشتر مردم نمی دانند.  
 ۲ پروردگارا! ما به خود ستم کردیم و اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی، قطعاً از زیانکاران خواهیم بود.  
 ۲ تو به سؤالات به سرعت پاسخ دادی؛ گویی آن ها برایت آسان بودند.  
 ۲ ای خواهرم! صدایت را بالا نبر زیرا مرا اذیت می کند.

نکته اگر در جمله، بعد از «لَيْتَ» و «لَعَلَّ» فعل مضارع وجود داشته باشد، به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود.

مثال: لَعَلَّ حَمِيداً يُسَافِرُ! (شاید حمید مسافرت کند!)

لَيْتَ صَدِيقِي يَنْجِحُ فِي الْمَسَابَقَةِ! (کاش دوستم در مسابقه پیروز شود!)

لَيْتَنِي أُشَاهِدُ جَمِيعَ مَدَنِ بِلَادِي! (کاش من همه شهرهای کشورم را ببینم!)

نمونه تستی

عَبِّرِ الصَّحِيحَ عَنِ مَعْنَى الْفِعْلِ الَّذِي تَحْتَهُ خَطٌّ: ﴿إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾

- ۱ المضارع الإخباري ۲ المضارع التزامي ۳ الماضي الاستمراري ۴ الماضي التزامي

گزینه (۲)

با توجه به این که فعل مضارع «تَعْقِلُونَ» بعد از «لَعَلَّ» آمده است، به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود.

ترجمه عبارت: بی گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم، شاید (امید است) شما خردورزی کنید.

- **نکته** اگر در جمله، بعد از «لَيْتَ» فعل ماضی آمده باشد، می‌توان آن را ماضی استمراری ترجمه نمود.<sup>۱</sup>  
مثال: لَيْتَ ناصراً ابْتَعَدَ عن الكَسَلِ! (کاش ناصر از تنبلی دوری می‌کرد!)
- **نتیجه** در ترجمهٔ درستِ فعل بعد از «لَيْتَ» و «لَعَلَّ»، باید به نوع فعل و شرایط جمله توجه کرد.

### لای نفی جنس

لای نفی جنس قبل از اسم می‌آید و به معنای «هیچ ... نیست» می‌باشد.  
مثال: ﴿لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾ (جز آن چه به ما آموختی، هیچ دانشی نداریم).  
لای نفی جنس

لَا كَنْزَ أَعْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ. (هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست).  
لای نفی جنس

### اخْتَبِرْ نَفْسَكَ

ترجمهٔ هذه الأحاديث حسب قواعد الدرس:

- ۱) لا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ.
- ۲) لا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ.
- ۳) لا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ.
- ۴) لا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَ لا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ.

- ۱) هیچ خیری در گفتاری نیست مگر این‌که همراه عمل باشد.
- ۲) هیچ جهادی مانند جهاد نفس نیست.
- ۳) هیچ لباسی زیباتر از تندرستی نیست.
- ۴) هیچ فقری مانند نادانی و هیچ میراثی مانند ادب نیست.

۱ «لا» به معنای «نه» در پاسخ به «هَلْ» و «أ»

مثال: - أَأنت من بجنورد؟ - لا، أنا من بیرجند.

(- آیا تو از بجنورد هستی؟ - نه، من از بیرجند هستم / من بیرجندی هستم.)

۲ لای نفی مضارع (لای ناهیه): قبل از فعل مضارع و برای منفی کردن آن می‌آید و در انتهای آن تغییری ایجاد نمی‌کند. (آن را مجزوم نمی‌کند).

مثال: إِنَّه لا يذهب إلى المدرسة. (او به مدرسه نمی‌رود).

• **نکته** انواع «لا»

۳ لای نهی (لای ناهیه): قبل از فعل مضارع و برای ساختن فعل نهی می‌آید و در انتهای آن تغییراتی ایجاد می‌کند. (آن را مجزوم می‌کند).  
الف) قبل از مضارع دوم شخص:

مثال: لا تَعْبُدْ إِلَّا اللَّهَ أَحَدًا! (کسی را جز خداوند پرستش نکن!)

ب) قبل از مضارع اول شخص و سوم شخص (به معنی «نباید»)

مثال: لا يترك التلميذ درسه أبداً: (دانش‌آموز هرگز نباید درسش را رها کند).

۴ لای نفی جنس: قبل از اسم می‌آید و به معنای «هیچ ... نیست» می‌باشد.

مثال: لا فقر أشد من الجهل. (هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست).

### اخْتَبِرْ نَفْسَكَ

املاً الفراغ في ما يلي، ثم عيّن نوع «لا» فيه:

۱) ﴿و لا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ من دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ﴾

و به کسانی که غیر خدا را فرا می‌خوانند، .....؛ زیرا که به خدا دشنام دهند.

۲) ﴿و لا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ العِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً﴾

و گفتارشان تو را .....؛ زیرا ارجمندی، همه ..... خداست.

۳) ﴿هل يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ﴾

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که ..... برابر هستند؟

۱- • **توجه** ترجمهٔ فعل ماضی بعد از «لَيْتَ»، به صورت ماضی بعید نیز صحیح است.

لَيْتَ ناصراً ابْتَعَدَ عن الكَسَلِ! (کاش ناصر از تنبلی دوری می‌کرد / دوری کرده بود!)

﴿رَبَّنَا وَلا تُحَمِّلْنَا مَا لا طاقَةَ لَنَا بِهِ﴾

پروردگارا، آنچه توانش را نداریم بر ما ..... .

(۵) لا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لا يَرْحَمُ النَّاسَ.

خدا رحم نمی‌کند به کسی که به مردم ..... .



(۲) نباید ناراحت کند (لای نهی) - از آن  
(۴) تحمیل نکن (لای نهی - لای نفی جنس)

(۱) دشنام ندهید (لای نهی)

(۳) نمی‌دانند (لای نفی)

(۵) رحم نمی‌کند (لای نفی)

نمونه تستی

عَبْنُ «لا» النافية للجنس:

۱) كُنْ قَوِيًّا حَتَّى لا يَأْكُلَكَ الأَقْوِيَاءُ.

۲) لا تَكْسَلِي في أداءِ واجباتِكَ الدَّرْسِيَّةِ.

گزینه (۲) ✓

«لا» در این گزینه قبل از اسم آمده و به معنای «هیچ ... نیست» می‌باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

نوع «لا» در گزینه‌های دیگر به ترتیب، لای نفی، لای نهی و لای نفی می‌باشد.

ترجمه گزینه‌ها:

۱) قوی باش تا قدرتمندان تو را نخورند!

۲) در انجام تکالیف درسی‌ات تنبلی نکن!

۱) اکنون هیچ چیز مانند دوری تو مرا ناراحت نمی‌کند.

۲) آن، موضوعی است که جز دانایان به آن پی نمی‌برند.



Blank writing area with horizontal lines for student response.

## تست های قواعد

١- عَيِّنْ مَا كُلُّهُ مِنَ الْحُرُوفِ الْمَشْتَبِهَةِ بِالْفِعْلِ:

(١) كَانَ - لَا - إِنَّ (٢) لَكِنَّ - لَيْتَ - أَنْ (٣) إِنَّ - لَيْتَ - لَعَلَّ (٤) لَمْ - لَعَلَّ - كَأَنَّ

٢- أَيُّ كَلِمَةٍ لَا تُنَاسِبُ لِلْفَرَاغِ بَعْدَ «لَا» النَّافِيَةِ لِلجِنْسِ؟ «لَا.....» فِي هَذِهِ الْغُرْفَةِ.

(١) ذُبَابٌ (٢) أَحَدٌ (٣) تُجَادِلُ (٤) كِتَابٌ

٣- عَيِّنْ نَوْعَ «لَا» عَلَى التَّرْتِيبِ: «لَا تَقْنُطُ فِي حَيَاتِكَ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَدْعُكَ أَبَدًا.»

(١) نَافِيَةٌ - نَافِيَةٌ (٢) نَافِيَةٌ - نَافِيَةٌ لِلجِنْسِ (٣) نَافِيَةٌ - نَافِيَةٌ (٤) نَافِيَةٌ - نَافِيَةٌ

٤- ﴿أَوْ لَمْ يَغْلَمُوا..... اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾؛ عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ:

(١) إِنَّ (٢) لَكِنَّ (٣) لَعَلَّ (٤) أَنْ

٥- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ مَعَادِلِ الْفِعْلِ الَّذِي تَحْتَهُ خَطًّا: «لَيْتَ الْإِنْسَانَ يَبْتَعِدُ عَنِ ذِكْرِ الْأَقْوَالِ الَّتِي فِيهَا اخْتِمَالُ الْكِذْبِ»

(١) الْمَاضِي الْبَعِيدُ (٢) الْمَضَارِعُ الْإِلْتِمَازِي (٣) الْمَاضِي الْإِسْتِمَرَازِي (٤) الْمَضَارِعُ الْإِخْبَارِي

٦- اجْعَلِ فِي الْفَرَاغِ حَرْفًا مُنَاسِبًا: «..... الْأَغْنِيَاءُ لَا يَأْكُلُونَ مَالَ الْفُقَرَاءِ.»

(١) صَارَ (٢) لَيْسَ (٣) لَيْتَ (٤) أَنْ

٧- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ «كَأَنَّ» فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «كَأَنَّ الْكُذَّابَ سَرَابٌ يَفْرُبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ.»

(١) بِمَعْنَى «كَ» (٢) بِمَعْنَى «إِنَّ» (٣) بِمَعْنَى «لَكِنَّ» (٤) بِمَعْنَى «لَقَدْ»

٨- عَيِّنْ نَوْعَ «لَا» فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: «لَسْتُ إِلَّا حَجْرًا صَغِيرًا لَا قِيَمَةَ لَهُ وَلَا شَأْنَ.»

(١) لِنْفِي الْفِعْلِ (٢) النَّاهِيَةِ (٣) النَّافِيَةِ لِلجِنْسِ (٤) لِنْفِي الْعِبَارَةِ

٩- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ مَعَادِلِ «فَكَرَّرَ» فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: «لَيْتَ مِهْرَانَ فَكَرَّرَ حَوْلَ هَذِهِ الْمَشْكِلَةِ»

(١) الْمَاضِي الْإِسْتِمَرَازِي (٢) الْمَضَارِعُ الْإِلْتِمَازِي (٣) الْمَاضِي الْمَطْلُوقِ (٤) الْمَاضِي التَّقْلِي

١٠- عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ حَتَّى تَكُونَ «لَا» نَافِيَةً لِلجِنْسِ: «قَالَتِ الْأُمُّ لَوْلَاهَا الرَّاسِبُ فِي الْإِمْتِحَانِ: لَا.....»

(١) بَأْسٌ (٢) تَدْرُسُ (٣) تَعْتَذِرُ (٤) أُؤَاخِذُكَ

١١- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ نَوْعِ «لَا»:

(١) لَا أَحَدٌ مِنَّا يُؤْذِي مُوَاطِنَهُ. (نَافِيَةٌ) (٢) أَلَا تَعْرِفُ اللَّعَابَ الَّذِي اِكْتَسَبَ الدَّرَجَةَ الْأُولَى؟ (نَافِيَةٌ) (٣) طَوْبَى لِمَنْ لَا يَقْضُرُ فِي الْإِحْسَانِ بِالْوَالِدِينَ! (نَافِيَةٌ) (٤) لَا نَحْضُلُ عَلَى التَّقَدُّمِ إِلَّا بِالسَّعْيِ وَالْإِجْتِهَادِ. (نَافِيَةٌ لِلجِنْسِ)

١٢- عَيِّنِ مَا يُعَادِلُ الْمَضَارِعَ الْإِلْتِمَازِي فِي الْفَارْسِيَّةِ:

(١) لَيْتَ أَبِي يَجِيءُ مِنِ الْمَهْمَةِ غَدًا (٢) اجْعَلْنِي كِتَابَكُنِّي عَلَى الْمُنْصَدَةِ، أَيُّهَا الطَّلِبَاتُ! (٣) كَانَ الْبَائِعُ يَفْتَحُ دُكَّانَهُ فِي الصَّبَاحِ. (٤) كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ.

١٣- أَيُّ عِبَارَةٍ تَشْتَمِلُ عَلَى حَرْفٍ مُشَبَّهِ بِالْفِعْلِ؟

(١) ﴿رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ (٢) لَدَيْ جَوَالٍ تَفْرَعُ بَطَارِيئُهُ بَعْدَ يَوْمَيْنِ. (٣) ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ﴾ (٤) عَلَيْنَا أَنْ نَحْتَرِمَ الْمَعْلَمِينَ كَوَالِدِينَا وَنَذْكُرَهُمْ بِخَيْرٍ.

١٤- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَمَّا تَحْتَهُ خَطًّا فِي الْفَارْسِيَّةِ:

(١) ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ﴾ الْمَضَارِعُ الْإِلْتِمَازِي (٢) كَانَ ذَلِكَ الطَّالِبُ يُرِيدُ أَنْ يَتْرِكَ الدَّرَاسَةَ فَمَنْعَتْهُ: الْمَضَارِعُ الْإِخْبَارِي (٣) لَيْتَ الطَّلَابَ اغْتَنَمُوا فُرْصَةَ أَيَّامِ الْعُطْلَةِ! الْمَاضِي الْإِسْتِمَرَازِي (٤) إِشْتَرَيْتُ الْيَوْمَ سَيَّارَةً تُعْجِبُنِي كَثِيرًا: الْمَاضِي الْبَعِيدِ

١٥- عَيِّنِ «لَا» النَّافِيَةَ لِلجِنْسِ:

(١) أَلَا لَهُمْ هَدَفٌ أَحْسَنُ فِي حَيَاتِهِمْ؟ (٢) لَيْتَ زَمِيلِي لَا يَغِيبُ فِي الْإِمْتِحَانِ! (٣) إِنَّ الْوَصُولَ إِلَى النَّجَاحِ فِي الْإِجْتِهَادِ لَا فِي الْكَسَلِ. (٤) فِي اللَّيْلِ لَا تَلْمِذَ فِي الْمَدْرَسَةِ.



١٦- عَيَّنَ الْفِعْلَ الْمَاضِي يُمْكِنُ أَنْ يَعَادَلَ الْمَاضِي الْاِسْتِمْرَارِي:

- (١) إِنَّ نَاصِرًا حَارَبَ الْيَأْسَ وَ التَّكَاثُلَ فَتَقَدَّمَ فِي حَيَاتِهِ.  
 (٣) كَأَنَّ هَذَا الطَّالِبَ مَا قَدَرَ عَلَى أَنْ يَكْتَسِبَ دَرَجَةً عَالِيَةً.  
 (٢) رَجَعْتُ مِنَ السَّفَرِ لِكَيْتَنِي أَصْبَحْتُ مَرِيضًا.  
 (٤) لَيْتَ عَلِيًّا أَنْصَرَفَ عَنِ السَّفَرِ فِي اللَّيْلِ!

١٧- عَيَّنَ حَرْفًا يَرْبِطُ الْجُمْلَتَيْنِ:

- (١) قَالَتِ الْأُمُّ لِي: إِنَّ لِي تَهْدِيَةَ النَّفْسِ قَدْرًا لَا تَعْرِفُهُ أَنْتَ.  
 (٣) فَهَمَّتْ جَدِّدًا أَنْ قِيَمَةَ الْإِنْسَانِ هِيَ أَدَبُهُ أَمَامَ النَّاسِ.  
 (٢) شَاهَدْتُ مَعَلِّمَتِي فِي السُّوقِ لِكَيْتَنِي مَا شَاهَدْتُنِي.  
 (٤) ﴿ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تَرَابًا ﴾

١٨- عَيَّنَ حَرْفًا يَبَيِّنُ الْمَشَابِهَةَ:

- (١) كَأَنَّكَ أَسَدٌ فِي مُوْاجِهَةِ أَعْدَاءِ الْإِسْلَامِ.  
 (٣) إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ فَلْيَبْتَعِدِ الْمُسْلِمُ عَنْهُ فِي الْحَيَاةِ.  
 (٢) أَعْدَاءُ الْإِسْلَامِ كَثِيرُونَ؛ لَيْتَ الْمُسْلِمِينَ يَتَّحِدُونَ.  
 (٤) لَيْسَ مُحَمَّدٌ حَاضِرًا فِي الصَّفِّ لَعَلَّهُ مَرِيضٌ.

١٩- أَيُّ عِبَارَةٍ لَا تَشْتَمِلُ عَلَى مَعَادِلِ الْمَضَارِعِ الْاِلْتِزَامِيَةِ فِي الْفَارِسِيَّةِ؟

- (١) ﴿ عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ ﴾  
 (٣) ﴿ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ﴾  
 (٢) ﴿ فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا ﴾  
 (٤) إِذَا كَانَ اثْنَانِ يَتَنَاجِيَانِ فَلَا تَدْخُلُ بَيْنَهُمَا!

٢٠- عَيَّنَ «لَا» الْنَافِيَةَ لِلْجِنْسِ:

- (١) أَلَا لَكَ عَمَلٌ آخَرُ؟  
 (٣) هَذِهِ اللَّيْلَةُ لَا نَجْمَ فِي السَّمَاءِ.  
 (٢) لَا أَرَى تِجَارَةً أَنْفَعَ مِنْ اِكْتِسَابِ الْعِلْمِ.  
 (٤) لَا يَعْمَلُ الطَّالِبُ عَمَلًا دُونَ فَائِدَةٍ.

٢١- عَيَّنَ عِبْرَةَ لَيْسَ فِيهَا مِنَ الْحُرُوفِ الْمَشْبَهَةِ بِالْفِعْلِ:

- (١) هُوَ حَاوَلَ أَنْ يَنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.  
 (٣) قَالَ الْكُفَّارُ: كَأَنَّ إِبْرَاهِيمَ يَقْضُدُ الْاِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَافِنَا.  
 (٢) وَلَكِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَنْزِكِ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ.  
 (٤) ﴿ وَ لَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ... ﴾

٢٢- مَيَّزَ مَا فِيهِ حَرْفٌ يَرْفَعُ الْإِبْهَامَ عَنِ الْجُمْلَةِ قَبْلَهُ:

- (١) نَصَحْتُ الْفَتَى الْمُجْرِمَ كَثِيرًا لَعَلَّهُ يَنْدَمَ.  
 (٣) ﴿ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴾  
 (٢) تَظَاهَرَ شَعْبُ فِلَسْطِينَ ضِدَّ الْغَاصِبِينَ وَلَكِنَّ الْغَاصِبِينَ قَتَلُوهُمْ.  
 (٤) ذَلِكَ الرَّجُلُ يَفْخَرُ عَلَى نَسَبِهِ كَثِيرًا كَأَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الطِّينِ.

٢٣- عَيَّنَ «لَا» الْنَافِيَةَ لِلْجِنْسِ:

- (١) الْيَوْمَ لَا طَالِبَةَ فِي الْمَدْرَسَةِ.  
 (٣) الْجَاهِلُ مَنْ لَا يَتَعَبَّرُ بِالتَّجَارِبِ.  
 (٢) لَا تَطْلُبُوا إِلَّا أَعْمَالَ الْخَيْرِ!  
 (٤) لَيْمَ تَقُولُ مَا لَا تَعْلَمُ، أَيُّهَا الْإِنْسَانُ؟!

٢٤- مَيَّزَ الْعِبْرَةَ الَّتِي فِيهَا مِنَ الْحُرُوفِ الْمَشْبَهَةِ بِالْفِعْلِ:

- (١) ﴿ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَةً ﴾  
 (٣) ﴿ لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَ إِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴾  
 (٢) ﴿ وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ﴾  
 (٤) لَيْسَتْ دُمُوعُ عَيْنِي هُدًى لَنَا الْعَلَامَةُ؟

٢٥- فِي أَيِّ عِبْرَةِ يَتَمَنَّى الْمُتَكَلِّمُ شَيْئًا؟

- (١) قَتَلَ الْإِمَامُ الْحُسَيْنُ (ع) مَظْلُومًا؛ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُ فِي كَرْبَلَاءِ.  
 (٣) كَأَنَّ كَلَامَ الشَّهَدَاءِ سِرَاجٌ لِهَدَايَةِ النَّاسِ.  
 (٢) إِنَّ وَالِدِي يَجْتَهِدَانِ فِي تَرْبِيَّتِي كَثِيرًا فَأُكْرِمُهُمَا دَائِمًا.  
 (٤) لَعَلَّنِي أُسَافِرُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِلَى قَرِيْبَتِنَا لِأَزُورَ جَدِّي.

٢٦- عَيَّنَ فِعْلًا لَهُ مَعْنَى الْمَاضِي الْبَعِيدِ:

- (١) أَنْتُمْ لَمْ تَسْمَحُوا لِلْأَعْدَاءِ أَنْ يَغْضَبُوا بِلَادِكُمْ.  
 (٣) لَيْتَ هَذَا الْعَالَمَ يُبَيِّنُ أِبْعَادَ تَبَادُلِ الْمَفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ فِي دِرَاسَاتِهِ.  
 (٢) لَيْتَ الطَّلَّابَ عَاهَدُوا أَسْتَاذَهُمْ عَلَى أَنْ لَا يَكْذِبُوا.  
 (٤) يَجِبُ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَعْمَلَ بِكَلَامٍ يَدْعُو الْمُخَاطَبِينَ إِلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ.

٢٧- عَيَّنَ جَوَابًا فِيهِ «التَّأْكِيدُ»:

- (١) إِنَّ كُنْتُ ذَا هِمَّةٍ، فَاجْتَنِبِ الدُّنُوبَ!  
 (٣) إِنَّهُمْ فَرِحُونَ وَ أَنَا مَسْرُورٌ بِفَرَحِهِمْ.  
 (٢) لَيْتَ لِي كِتَابًا لَهُ مَوْضِعٌ عِلْمِي!  
 (٤) لَا حِجَابَ بَيْنَ اللَّهِ وَ خَلْقِهِ.



## پاسخ پرسش های چهارگزینه ای

۱۲ ۱ «يَجِيءُ» فعل مضارعی است که بعد از «لَيْتَ» قرار گرفته است و به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود.

**بررسی سایر گزینه ها:**

۲ «إِجْعَلَنَّ» فعل امر است.

۳ «كَانَ يَفْتَحُونَ» به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود.

۴ «لَا تُذَكِّرُكَ» فعل مضارع منفی است.

**ترجمه گزینه ها:**

۱) کاش پدرم فردا از مأموریت بیاید.

۲) ای دانش آموزان! کتاب هایتان را روی میز قرار دهید.

۳) فروشنده، مغازه اش را صبح باز می کرد.

۴) گویی خشنود ساختن مردم هدفی است که به دست نمی آید.

۱۳ ۱ «إِنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل است.

**ترجمه گزینه ها:**

۱) پروردگارا! قطعاً من به آن چه از خیر و نیکی به سوی من نازل کردی، نیازمندم.

۲) تلفن همراهی دارم که باطری اش بعد از دو روز خالی می شود.

۳) خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد.

۴) ما باید به معلّمان همچون پدر و مادرمان احترام بگذاریم و از آن ها به نیکی یاد کنیم.

۱۴ ۳ فعل ماضی بعد از «لَيْتَ» می تواند به صورت ماضی استمراری یا بعید ترجمه شود.

**بررسی سایر گزینه ها:**

۱) «أَحْسَنْتُمْ» فعل ماضی و جواب شرط است که می تواند به صورت ماضی یا مضارع اخباری ترجمه شود.

۲) «يُرِيدُ» تحت تأثیر «كَانَ» به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود.

۴) «تُعْجِبُ» با توجه به این که بعد از اسم نکره و فعل ماضی «اشتریت» آمده است، به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود، ضمن این که براساس مفهوم جمله می تواند به شکل همان مضارع اخباری نیز ترجمه شود.

**ترجمه گزینه ها:**

۱) اگر نیکی کنید به خودتان نیکی کرده اید (می کنید).

۲) آن دانش آموز می خواست که تحصیل را رها کند پس من مانع او شدم.

۳) کاش دانش آموزان فرصت ایام تعطیل را غنیمت می شمردند (شمرده بودند).

۴) امروز ماشینی خریدم که از آن بسیار خوشم می آمد (خوشم می آید).

۱۵ ۴ در این گزینه «لا» به معنای «هیچ ... نیست» است و بعد از آن اسم آمده است.

**ترجمه گزینه ها:**

۱) آیا آن ها هدفی بهتر در زندگی شان ندارند؟

۲) کاش همکلاسی ام در امتحان غیبت نکند.

۳) قطعاً رسیدن به موفقیت در تلاش است نه در تنبلی.

۴) در شب، هیچ دانش آموزی در مدرسه نیست.

۱ ۲

۲ «لا»ی نفی جنس قبل از اسم قرار می گیرد، نه فعل.

۳ ۲

۳ «لَا تَقْتُلُ» فعل نهی و «لَا يَدْعُ» فعل مضارع منفی است.

**ترجمه عبارت:** «در زندگی ات ناامید نشو زیرا خداوند هرگز تو را رها نمی کند.»

۴ ۴ «أَنَّ» از حروف مشبّهة و به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می دهد.

**ترجمه عبارت:** «آیا ندانستند که خداوند روزی را برای هرکس که بخواهد می گستراند؟»

۵ ۲ فعل مضارعی که بعد از حرف «لَيْتَ» قرار می گیرد، به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود.

**ترجمه عبارت:** «کاش انسان از ذکر سخنهایی که احتمال دروغ در آن ها وجود دارد، دوری کند»

۶ ۳ **ترجمه عبارت:** «کاش ثروتمندان دارایی فقیران را نخورند.»

**بررسی سایر گزینه ها:**

در گزینه های (۱) و (۲) «صار» به معنای «شد» و «لیس» به معنای «نیست» از افعال ناقصه هستند و در گزینه (۴) «أَنَّ» به معنای «که» از حروفی است که در ابتدای جمله قرار نمی گیرد بلکه برای پیوند دادن میان دو جمله می آید.

۷ ۱ «لَكْ» به معنای «مانند، مثل، همچون» است.

**ترجمه عبارت:** «دروغگو همچون سرابی است که دور را به تو نزدیک می کند»

**بررسی سایر گزینه ها:**

«إِنَّ» به معنای «قطعاً»، «لَكِنَّ» به معنای «ولی» و «لَقَدْ» نیز به معنای «قطعاً» است.

۸ ۳ با توجه به این که «لا» قبل از اسم آمده و نیز با توجه به معنای «هیچ ... نیست»، «لا» از نوع نفی جنس است.

**ترجمه عبارت:** «من فقط سنگ کوچکی هستم که هیچ ارزش و جایگاهی ندارد.»

۹ ۱ فعل ماضی بعد از «لَيْتَ» را می توان به صورت ماضی استمراری یا بعید ترجمه کرد.

**ترجمه عبارت:** «کاش مهران درباره این مشکل فکر می کرد (کرده بود).»

۱۰ ۱ لای نفی جنس قبل از اسم قرار می گیرد، نه فعل.

**ترجمه عبارت:** «مادر به فرزند مردودش در امتحان گفت: عیبی ندارد.»

۱۱ ۳ در این گزینه «لَا يَقْضِرُ» فعل مضارع منفی است.

**بررسی سایر گزینه ها:**

۱) «لا» از نوع نفی جنس است؛ زیرا بعد از آن اسم (أحد) آمده است.

۲ و ۴) در این گزینه ها «لا» حرف نفی است.

**ترجمه گزینه ها:**

۱) هیچ کسی از ما هموطنانش را آزار نمی دهد.

۲) آیا بازیکنی که مقام اول را کسب کرد، نمی شناسی؟

۳) خوشا به حال کسی که در نیکی به والدین کوتاهی نمی کند.

۴) پیشرفت را به دست نمی آوریم مگر با سعی و تلاش.

۲۰ ۳ «لا» ی نفی جنس قبل از اسم می‌آید؛ در سایر گزینه‌ها «لا» حرف نفی است.

**ترجمه گزینه‌ها:**

- ۱) آیا تو کار دیگری نداری؟
- ۲) تجارتی را سودمندتر از کسب علم نمی‌بینم.
- ۳) امشب هیچ ستاره‌ای در آسمان نیست.
- ۴) دانش آموز کاری بدون فایده را انجام نمی‌دهد.

۲۱ ۱ همان‌طور که در این گزینه می‌بینید، «أَنْ» از حروفی است که قبل از فعل مضارع قرار می‌گیرد، در حالی که حروف مشبّهة بالفعل قبل از اسم می‌آیند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

در گزینه‌های دیگر به ترتیب «لَکِنَّ»، «کَأَنَّ» و «إِنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل هستند.

**ترجمه گزینه‌ها:**

- ۱) او تلاش کرد که قومش را از عبادت بت‌ها نجات دهد.
- ۲) ولی خداوند بزرگ و بلندمرتبه مردم را بر این حال رها نکرد.
- ۳) کافران گفتند: مثل این‌که ابراهیم قصد مسخره کردن بت‌هایمان را دارد.
- ۴) گفتارشان نباید تو را غمگین کند؛ قطعاً عزّت و سربلندی، همه از آن خداوند است.

۲۲ ۲ **ترجمه سؤال:** «گزینه‌ای را مشخص کن که در آن حرفی باشد که ابهام را از جمله قبلیش برطرف نماید».

در این گزینه «ولکن» به معنای «ولی» است و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جمله ماقبلش به کار رفته است.

**ترجمه گزینه‌ها:**

- ۱) جوان گناهکار را بسیار نصیحت کردم، شاید او پشیمان شود.
- ۲) ملت فلسطین علیه اشغالگران تظاهرات کردند ولی اشغالگران آن‌ها را کشتند.
- ۳) گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.
- ۴) آن مرد به دودمانش بسیار افتخار می‌کند انکار او از گل نیست.

۲۳ ۱ **برای پیدا کردن «لا»** ی نفی جنس باید به دنبال گزینه‌ای بگردیم که «لا» قبل از اسم آمده باشد.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

در گزینه (۲) «لا» حرف نهی و در گزینه‌های (۳) و (۴) «لا» حرف نفی است.

**ترجمه گزینه‌ها:**

- ۱) امروز هیچ دانش‌آموزی در مدرسه نیست.
- ۲) جز کارهای خوب را نخواهید.
- ۳) نادان کسی است که از تجربه‌ها پند نمی‌گیرد.
- ۴) ای انسان! برای چه آن‌چه را که نمی‌دانی، می‌گویی؟

۲۴ ۲ «إِنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل است.

**ترجمه گزینه‌ها:**

- ۱) از آسمان آبی را نازل کرد پس زمین سرسبز می‌شود.
- ۲) به عهد و پیمان وفا کنید، بی‌گمان از پیمان سؤال می‌شود.
- ۳) قطعاً در یوسف و برادرانش نشانه‌هایی برای پرسشگران است.
- ۴) آیا این اشک‌های چشم من، برای ما نشانه نیست؟

۱۶ ۴ فعل ماضی «انصرف» را که بعد از «لیت» قرار گرفته است، می‌توان به صورت ماضی استمراری یا بعید ترجمه کرد.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

۱ و ۲) فعل‌های ماضی «حازَبَ»، «تَقَدَّمَ» «رجعت» و «أصاحت» به همان صورت ماضی ساده ترجمه می‌شوند.

۳) «ما قَدَّرَ» ماضی ساده منفی است و «أَنْ یکتسب» معادل مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

**ترجمه گزینه‌ها:**

- ۱) قطعاً ناصر با ناامیدی و تنبلی جنگید پس در زندگی‌اش پیشرفت کرد.
- ۲) از سفر برگشتم اما مریض شدم.
- ۳) گویی این دانش‌آموز نتوانست نمره بالایی به دست آورد.
- ۴) کاش علی از سفر کردن در شب منصرف می‌شد (شده بود).

۱۷ ۳ **ترجمه سؤال:** «حرفی را مشخص کن که دو جمله را به هم مرتبط می‌کند».

«أَنْ» به معنای «که» از حروف مشبّهة بالفعل است که دو جمله را به هم پیوند می‌دهد.

**ترجمه گزینه‌ها:**

- ۱) مادر من به من گفت: قطعاً پاکیزه کردن نفس ارزشی دارد که تو آن را نمی‌دانی.
- ۲) معلمم را در بازار دیدم اما او مرا ندید.
- ۳) به خوبی فهمیدم که ارزش انسان همان ادبش در برابر مردم است.
- ۴) کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم.

۱۸ ۱ **ترجمه سؤال:** «حرفی را مشخص کن که مشابهت را بیان می‌کند».

در این گزینه «کَأَنَّ» به معنای «لِکَ» یعنی «مانند، همچون و ...» است که برای بیان مشابهت به کار می‌رود.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

- ۲) «لیت» به معنای «کاش» بیانگر آرزو می‌باشد.
- ۳) «إِنَّ» به معنای «قطعاً، همانا و ...» بیانگر تأکید است.
- ۴) «لعل» نیز به معنای «شاید، امید است» بیانگر احتمال و امیدواری است.

**ترجمه گزینه‌ها:**

- ۱) گویی تو در رویارویی با دشمنان اسلام [هم‌چون] شیر هستی.
- ۲) دشمنان اسلام بسیاریند، کاش مسلمانان متحد شوند.
- ۳) به راستی حسادت ایمان را می‌خورد (از بین می‌برد) پس مسلمان باید از آن در زندگی دوری کند.
- ۴) محمّد در کلاس حاضر نیست شاید او مریض است.

۱۹ ۴ «کَانَ ... یَتَنَاجیان» معادل ماضی استمراری است؛ «لَا تَدْخُلُ» نیز فعل نهی می‌باشد.

در سایر گزینه‌ها به ترتیب فعل‌های «تَکْرَهُوا»، «یَحْكُمُ» و «یَعْلَمُونَ» به خاطر وجود حروف «أَنْ»، «حَتَّى» و «لِیت» قبل از آن‌ها، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شوند.

**ترجمه گزینه‌ها:**

- ۱) شاید چیزی را ناپسند شمارید در حالی‌که آن برای شما بهتر است.
- ۲) پس صبر کنید تا خداوند میان ما داوری کند.
- ۳) گفته شد: وارد بهشت شو؛ گفت: ای کاش قومم بدانند.
- ۴) هرگاه دو نفر با هم آهسته سخن می‌گفتند، میان آن‌ها داخل نشو.

## ۳۳ ۳ ترجمه درست سایر گزینه‌ها:

- (۱) تا بشکنند / گویی، انکار  
(۲) رستگار می شوید / کاش  
(۴) گفته شد / روز جزا

## ۳۳ ۳

## ۳۴ ۳

## ۳۵ ۱

## ۳۶ ۴ ترجمه عبارت: «آیا انسان گمان می‌کند که بیهوده رها می‌شود؟»

## ۳۷ ۱ ترجمه عبارت: «مردم نزد خداوند بلندمرتبه مساوی نیستند؛ پس

غمگین مباش.»

## ۳۸ ۳ ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) ملت = مردم  
(۲) پرسید ≠ جواب داد  
(۳) سخن گفت = اتفاق افتاد  
(۴) موفق می‌شود ≠ شکست می‌خورد

## ۳۹ ۲ ترجمه کلمات: «گمان کرد، زیاد شد، یاری کرد»

## ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) بیان کرد، بزرگ شد، کمک کرد  
(۲) گمان کرد، زیاد شد، کمک کرد  
(۳) بخشید، زیاد شد (زیاد کرد)، پیروز شد  
(۴) اندیشید، پر کرد، موفق شد

## ۴۰ ۴ ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) دوری کرد = دور شد، دوری کرد (۲) موفق شد = پیروز شد  
(۳) هدف = هدف (۴) شانه = پا

## ۴۱ ۳ ترجمه کلمات: «کشمکش، روش، پرتاب کرد»

## ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) جنگ، فطرت، نجات داد  
(۲) درگیری، روش، رها کرد  
(۳) درگیری، راه و روش، پرتاب کرد (۴) مبارزه، نقاشی، افتاد

## ۴۲ ۴ ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) شاید ≠ کاش (۲) مس ≠ آهن  
(۳) نقره ≠ طلا (۴) درگیری ≠ صلح

## ۴۳ ۳ ترجمه عبارت: «تندبسی از سنگ یا چوب یا آهن که به جای خدا

پرستش می‌شود، ..... نامیده می‌شود.»

## ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) نگاره (۲) نقاشی (۳) بت (۴) اثر  
(۲) ترجمه عبارت: «تقدیم ..... برای خدایان، از مراسم‌های خرافی

در بعضی از امت‌هاست.»

## ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) تندبسی‌ها (۲) قربانی‌ها (۳) مسخره کردن (۴) شانه‌ها  
(۴) ترجمه عبارت: «ابراهیم (ع) تبر را بر شانه بزرگ‌ترین بت‌ها .....»

## ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) قرار داد (۲) آویخت (۳) رها کرد (۴) گمان کرد  
(۲) ترجمه عبارت: «..... همان انسان ترک‌کننده باطل و علاقمند به

دین حق است.»

## ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) عبادت‌کننده (۲) یکتاپرست (۳) مشرک (۴) عادل

## ۲۵ ۱ ترجمه سؤال: «در کدام عبارت متکلم چیزی را آرزو می‌کند؟»

«لیت» از حروفی است که به معنای «کاش» است و بیانگر آرزو می‌باشد.

## بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۲) «إِنَّ» به معنای «قطعاً، همانا و ...» بیانگر تأکید در جمله می‌باشد.  
(۳) «كَأَنَّ» به معنای «گویی، مانند و ...» بیانگر مشابهت در جمله است.  
(۴) «لَعَلَّ» به معنای «شاید، امید است»، برای بیان احتمال و امیدواری می‌آید.

## ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) امام حسین (ع) مظلومانه کشته شد، ای کاش من در کربلا با او بودم.  
(۲) قطعاً پدر و مادرم در تربیتم بسیار تلاش می‌کنند، پس من همیشه آن‌ها را گرامی می‌دارم.

(۳) گویی سخن شهیدان، چراغی برای هدایت مردم است.

(۴) شاید من روز جمعه به روستایمان سفر کنم تا پدربزرگم را ببینم.

## ۲۶ ۲ فعل ماضی «عاهدوا» را که بعد از حرف «لیت» قرار گرفته است،

می‌توان به صورت ماضی استمراری یا بعید ترجمه کرد.

## بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) «لَمْ تَسْمَحُوا» معادل ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی است.  
(۳) «يُبَيِّنُ» فعل مضارعی است که بعد از «لیت» قرار گرفته است و به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

(۴) فعل مضارع «يُعْمَلُ» نیز به خاطر وجود حرف «أَنَّ» قبل از آن به شکل مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

## ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) شما به دشمنان اجازه ندادید که کشورتان را اشغال کنند.  
(۲) کاش دانش‌آموزان با استادشان عهد می‌کردند (کرده بودند) که دروغ نگویند.  
(۳) کاش این دانشمندان ابعاد تبادل واژه‌ها را در میان زبان‌ها در پژوهش‌هایش بیان کند.

(۴) گوینده باید به سخنی که مخاطبان را به سوی کار شایسته فرا می‌خواند، عمل کند.

## ۲۷ ۳ «إِنَّ» به معنای «قطعاً، همانا، بی‌گمان و ...» بیانگر تأکید در جمله

می‌باشد.

## ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) اگر همت داری، پس از گناهان دوری کن.  
(۲) کاش کتابی داشته باشم که دارای موضوعی علمی باشد.  
(۳) بی‌گمان آن‌ها خوشحال هستند و من به خاطر خوشحالی آن‌ها، خوشحال هستم.

(۴) هیچ مانعی میان خدا و مخلوقاتش نیست.

## ۲۸ ۲ ترجمه درست سایر گزینه‌ها:

(۱) تا بیان کنند (۳) بیچ می‌کنند

(۴) که او را بسوزانند

## ۲۹ ۳ ازدادت: زیاد شد

## ۳۰ ۱ أَحْضَرُوا: حاضر کردند / فَأَس: تبر

## ۳۱ ۲ عَلَّقَ: آویخت / آلِهَة: خدایان